

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

پژوهش‌های آینده‌نگر در زمینه تروریسم، امنیت و دموکراسی



حفاظت از نسل آینده افغانستان در برابر تلقین ایدیولوژیک طالبان

طارق جهان

پالیسی بریف

سپتامبر ۲۰۲۵

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان (ACSTD) یک نهاد پژوهشی، پالیسی محور، و شرکت مشورتی استراتژیک به رهبری افغان‌ها است که در زمینه‌های تروریسم، منازعات، امنیت، دموکراتیزه‌سازی، مشارکت مدنی و تاب‌آوری اجتماعی فعالیت تخصصی دارد. این مرکز به‌عنوان نهادی مستقل و متکی بر واقعیت‌های محلی، پژوهش‌های آینده‌نگر، مشوره‌های پالیسی و راهکارهای عملی را برای محیط‌های شکننده و آسیب‌دیده از منازعات، با تمرکز بر افغانستان و آسیای جنوبی، ارائه می‌کند.

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان در بریتانیا به ثبت رسیده است (شماره ثبت شرکت SC859228). این مرکز با تلفیق شناخت عمیق از واقعیت‌های محلی، دقت و استحکام تحلیلی و معیارهای جهانی، از اقدامات مبتنی بر شواهد در راستای تأمین امنیت، دموکراسی و صلح حمایت می‌کند.

info@acstd.org | www.acstd.org

پالیسی بریف

سپتامبر ۲۰۲۵

فهرست مطالب

1.....	چکیده
2.....	مقدمه
2.....	چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟
2.....	الف. گسترش مدارس دینی
3.....	ب. تلقین ایدئولوژیک چگونه انجام می‌شود؟
4.....	ج. تجلیل از حمله‌کنندگان انتحاری
5.....	د. از میان بردن تنوع
5.....	هـ. تبلیغات و مهندسی اجتماعی
6.....	چه باید کرد؟
7.....	مقاومت به رهبری افغان‌ها
7.....	الف. حمایت از مراکز آموزشی کوچک و محلی
7.....	ب. حمایت و توانمندسازی آموزگاران میانه‌رو
8.....	ج. استفاده از روش‌های آموزشی ساده و ترکیبی
8.....	د. سواد دیجیتال امن و ارتباطات رمزگذاری‌شده
8.....	نقش جهان اسلام
8.....	الف. تعامل با نهادهای معتبر اسلامی، مانند سازمان همکاری اسلامی و ال‌زهر
8.....	ب. تأمین مالی بدیل‌های امن آموزشی از طریق نهادهای خیریه دینی
9.....	نکته کلیدی
9.....	نتیجه‌گیری
10.....	منابع
13.....	درباره نویسنده

چکیده

این پالیسی بریف نشان می‌دهد که آموزش‌های دینی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، به یک نظام متمرکز برای تلقین ایدئولوژیک و کنترل سیاسی تبدیل شده است. در این پالیسی بریف توضیح می‌دهم که چگونه مدارس دینی به سرعت گسترش یافته‌اند و تنوع دیدگاه‌ها و سنت‌های دینی جای خود را به یک برداشت واحد و مورد تأیید حکومت از اسلام داده است. در همین حال، مکاتب، پوهنتون‌ها و فضاهای عمومی نیز برای گسترش و بازتولید ایدئولوژی طالبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. این پالیسی بریف استدلال می‌کند که تلقین ایدئولوژیک اکنون هم پسران و هم دختران را هدف قرار داده و روایت‌های مطلق‌گرایانه‌ای را در ذهن آنان جا می‌اندازد که از شهادت تجلیل می‌کند و اندیشه‌های دموکراتیک، آزادی و تکررگرای را رد می‌کند. همچنان نشان می‌دهد که مدارس دینی به مراکز جذب نیرو، نظارت و مسیرهایی برای جذب و آماده‌سازی حمله‌کنندگان انتحاری تبدیل شده‌اند؛ روندی که با تبلیغات، امتیازات و کمک‌های مالی خارجی تقویت می‌شود.

برای مقابله با این روند، این پالیسی بریف یک ستراتیژی دوگانه را پیشنهاد می‌کند: مقاومت و مقابله به رهبری خود افغان‌ها، از طریق خانواده‌ها، آموزگاران، جامعه مدنی و علمای دینی میانه‌رو، همراه با حمایت هماهنگ منطقه‌ای و بین‌المللی. در مجموع، این پالیسی بریف به بحث‌های جاری دربارهٔ چگونگی مقابله با آموزش‌های افراط‌گرایانه و حفاظت از بدیل‌های آموزشی متنوع و کثرت‌گرا در افغانستان کمک می‌کند.

کلمات کلیدی : طالبان، مدرسه دینی، تلقین ایدئولوژیک، افغانستان، مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز.

مقدمه

این پالیسی بریف استدلال می‌کند که نظام آموزش دینی افغانستان تحت حاکمیت طالبان، به ابزاری برای کنترل ایدئولوژیک تبدیل شده است. از اگست ۲۰۲۱ به این سو، امارت اسلامی مدارس دینی را زیر کنترل متمرکز خود درآورده، تنوع موجود در آموزش دینی را محدود ساخته و از مکاتب، پوهنتون‌ها و فضاهای عمومی برای تلقین ایدئولوژیک استفاده کرده است. برخلاف دورهٔ جمهوریت که حکومت برای تنظیم یک نظام پراکندهٔ آموزش دینی با مشکلات زیادی روبه‌رو بود، طالبان اکنون کنترل کامل نصاب درسی، استخدام کارمندان و فعالیت مدارس دینی را در دست دارند. با استفاده از روایت‌ها و تجربیات افغان‌ها، اظهارات رسمی و مطالعات پیشین، در این پالیسی بریف نشان می‌دهم که چگونه مدارس دینی از نهادهای پراکنده به یک شبکهٔ هماهنگ برای تلقین ایدئولوژیک و جذب نیرو تبدیل شده‌اند. این روند به شکل منظم و هدفمند هم پسران و هم دختران را در بر می‌گیرد و روایت‌های مطلق‌گرایانه‌ای را در ذهن آنان جا می‌اندازد که از شهادت تجلیل می‌کند و دیدگاه‌ها و آینده‌های متفاوت را بی‌اعتبار می‌سازد.

برای بسیاری از افغان‌ها، مدارس دینی اکنون هم وسیلهٔ بقا و هم ابزار فشار و اجبار شده‌اند. در شرایط فقر، این مدارس برای شاگردان غذا و سرپناه فراهم می‌کنند، اما در عین حال، دیدگاه آنان نسبت به جهان را محدود ساخته و اطاعت را ترویج می‌کنند. این پالیسی بریف گسترش مدارس دینی را در چارچوب تاریخ آموزش دینی در افغانستان بررسی می‌کند، اما در عین حال بر ویژگی متفاوت روند کنونی تأکید دارد: استفاده از آموزش دینی به عنوان بخشی از پروژهٔ دولت‌سازی طالبان برای پرورش «نسل سوم طالبان»؛ نسلی از جوانان که تمام دورهٔ رشد و آموزش خود را در مدارس دینی می‌گذرانند؛ مدارس که در آن‌ها همسویی ایدئولوژیک، ارزش‌های جنگ‌جویانه و وفاداری، بر تفکر انتقادی و پذیرش تنوع در جامعه اولویت دارد.

چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟

الف. گسترش مدارس دینی

مدارس دینی در افغانستان پدیدهٔ تازه‌ای نیستند. پیشینهٔ آن‌ها به بیش از هزار سال قبل برمی‌گردد؛ زمانی که آموزش اسلامی به تدریج جای سنت‌های دینی پیشین مانند زردشتی‌گری و بودیزم را گرفت و شهرهایی چون بلخ، هرات و مرو به مراکز مهم علم و دانش تبدیل شدند. در قرن یازدهم میلادی، نظام‌الملک، وزیر سلجوقی، «مدارس نظامیه» را تأسیس کرد؛ نهادهای رسمی‌ای که آموزش دینی را با خدمات اجتماعی همراه ساخته بودند و تأثیر گسترده‌ای بر آموزش اسلامی گذاشتند. در افغانستان نیز، از امیر عبدالرحمن خان در اواخر قرن نوزدهم تا محمد ظاهر شاه در اواسط قرن بیستم، حکومت‌ها تلاش کردند مدارس دینی را به صورت رسمی و زیر نظارت دولت تنظیم کنند. این نهادها به حکومت‌ها کمک می‌کردند تا میان کسب مشروعیت دینی و نوسازی کشور توازن برقرار کنند، بدون آن‌که هویت دینی جامعه تضعیف شود.

دورهٔ جمهوریت (۲۰۰۱-۲۰۲۱) این میراث تاریخی را به ارث برد، اما در مدیریت آن با مشکلات جدی روبه‌رو بود. آموزش دینی در سه بخش عمده فعالیت می‌کرد: مدارس دینی دولتی زیر ادارهٔ وزارت معارف؛ مدارس نیمه‌مستقل که تا حدی نصاب حکومت را دنبال می‌کردند؛ و مدارس کاملاً مستقل یا ثبت‌نشده. بخش سوم بزرگ‌ترین بخش بود و از مدارس کوچک در مساجد گرفته تا مدارس محافظه‌کارتر با ارتباطات فرامرزی را در بر می‌گرفت.

نظارت بر این مدارس بسیار محدود بود. کیفیت استادان، نصاب درسی و دیدگاه‌های ایدئولوژیک از یک مدرسه تا مدرسهٔ دیگر تفاوت زیادی داشت. حکومت تلاش کرد مدارس دینی را بهتر تنظیم و اصلاح کند و آن‌ها را با نظام رسمی آموزشی هماهنگ

سازد، اما امکانات و دسترسی لازم را نداشت؛ به‌ویژه در مناطق ناامن و روستایی که تقاضا برای آموزش دینی زیاد بود و مکاتب دولتی یا وجود نداشتند یا مردم به آن‌ها اعتماد کافی نداشتند.

تا سال ۲۰۱۹، آمار رسمی از فعالیت هزاران مدرسه دینی خبر می‌داد، اما این نظام همچنان پراکنده و ناهمبند باقی مانده بود. نظارت هم‌زمان وزارت معارف و وزارت حج و اوقاف نیز باعث سردرگمی شده بود، در حالی که ده‌ها هزار مدرسه ثبت‌نشده بیرون از کنترل دولت فعالیت می‌کردند. طالبان در سال ۲۰۲۱ چنین شبکه گسترده اما پراکنده‌ای از مدارس دینی را به ارث بردند.

با بازگشت طالبان به قدرت، این گروه به سرعت تلاش کرد نظام پراکنده مدارس دینی را زیر کنترل متمرکز خود درآورد. بین سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴، گزارش‌های رسمی از ایجاد بیش از ۲۲ هزار مرکز آموزش اسلامی، از جمله نزدیک به ۲۰ هزار مدرسه دینی، خبر دادند و برنامه‌هایی نیز برای ایجاد ۱۶ هزار مدرسه دیگر اعلام شد. تا سال ۲۰۲۵، برآوردها نشان می‌داد که بیش از ۳.۶ میلیون شاگرد در این مراکز مصروف آموزش بودند.

برای بسیاری از اشتراک‌کنندگان این مطالعه، گسترش مدارس دینی در چنین مقیاسی چشمگیر و نگران‌کننده بود. آموزگاران، شاگردان و مقام‌ها این روند را نه اصلاح نظام آموزشی، بلکه تلاشی ستراتیژیک برای گسترش و تحکیم کنترل طالبان توصیف کردند. مکاتب، مراکز تربیه معلم، بخش‌هایی از پوهنتون کابل و حتی مکان‌های عمومی و تاریخی مانند قصر دارالامان به مدارس دینی تبدیل شدند؛ اقدامی که در بسیاری موارد به صورت ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی صورت گرفت.

هدف این روند کمتر گسترش دسترسی به آموزش و بیشتر استفاده از مدارس دینی برای کنترل ایدئولوژیک بود. یکی از اشتراک‌کنندگان این روند را به‌جای آموزش، نوعی «مهندسی اجتماعی» توصیف کرد، در حالی که اشتراک‌کننده دیگری گفت مدارس دینی در عمل بیشتر از آن‌که نقش مراکز آموزشی را داشته باشند، به «مراکز پرورش سیاسی» تبدیل شده‌اند. خانواده‌ها نیز تنها به دلایل ایدئولوژیک فرزندان خود را به مدارس دینی نمی‌فرستند. در شرایط فقر، این مدارس برای شاگردان غذا، محل بودوباش و کمک‌های مالی فراهم می‌کنند. این نقش معیشتی، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم، مدارس دینی را برای خانواده‌ها جذاب‌تر می‌سازد، اما در عین حال وابستگی آنان به نهادهای طالبان را نیز افزایش می‌دهد.

ب. تلقین ایدئولوژیک چگونه انجام می‌شود؟

متمرکزسازی مدارس دینی از سوی طالبان تنها یک اقدام اداری نیست، بلکه بُعد ایدئولوژیک نیز دارد. تحت حاکمیت امارت اسلامی، هیچ مدرسه دینی به صورت مستقل فعالیت نمی‌کند. منابع مالی، استخدام کارمندان و نصاب درسی همگی زیر کنترل حکومت قرار دارند. در گذشته میان مدارس سنی و شیعه و همچنین میان مدارس میانه‌رو و تندرو تفاوت‌هایی وجود داشت، اما اکنون تنها یک برداشت مورد تأیید طالبان از دین اجازه فعالیت دارد. یکی از آموزگاران که در این مطالعه با او مصاحبه شده است، گفت: «افغانستان خانه اقوام و سنت‌های گوناگون است، اما طالبان تمام آزادی را از ما گرفته‌اند».

در عمل، این وضعیت به محدودشدن تنوع مذهبی انجامیده است؛ فقه شیعه (فقه جعفری) به حاشیه رانده شده و فقه حنفی در سراسر کشور به عنوان چارچوب اصلی آموزش دینی تطبیق می‌شود. در نصاب درسی، زبان عربی، قرآن، حدیث و علوم دینی در اولویت قرار دارند، در حالی که ساینس، ریاضی و دیگر مضامین عصری به حاشیه رانده شده‌اند. در برخی مدارس دینی دخترانه، تا ۳۶ ساعت در هفته به مضامین دینی اختصاص داده می‌شود، در حالی که برای ریاضی یا کمپیوتر ممکن است تنها یک ساعت در نظر گرفته شود.

استدلال من این است که هدف این نوع آموزش، پرورش تفکر انتقادی نیست، بلکه ایجاد وفاداری و اطاعت و بدبینی نسبت به دیدگاه‌های متفاوت است. مصاحبه‌ها موضوعات مشترکی را نشان دادند: دموکراسی، حقوق بشر، فمینیسم، سکولریزم و مهاجرت

به کشورهای غربی به عنوان مفاهیم و پدیده‌های خارجی و فسادآور محکوم می‌شوند. حضور زنان در جامعه و آموزش آنان در دورهٔ جمهوری نیز به جای پیشرفت، به عنوان نشانه‌ای از خیانت و ضعف معرفی می‌شود.

تلقین ایدئولوژیک از طریق امتیازات مادی و تشویق‌های نمادین نیز تقویت می‌شود. در برخی رقابت‌ها، به شاگردان جوایزی مانند لپ‌تاپ یا انگشتر طلا داده می‌شود و گاهی این برنامه‌ها از طریق کانال‌های تلگرام نیز تبلیغ می‌شوند. به این ترتیب، از تکنالوژی عصری نه برای گسترش دیدگاه و آگاهی شاگردان، بلکه برای تقویت یک جهان‌بینی بسته استفاده می‌شود. دختران، همانند پسران، با روایت‌های مربوط به فداکاری، هجرت و جهاد آشنا می‌شوند و تشویق می‌گردند خود را بخشی از یک مبارزهٔ جهانی اسلامی بدانند که در آن شهادت بالاترین آرمان معرفی می‌شود.

این رویکرد را نمی‌توان تنها آموزش دینی دانست، بلکه تلاشی هدفمند برای شکل‌دادن به هویت نسل جوان است. هدف آن پرورش جوانانی است که برداشت‌شان از خود، ارزش‌ها و آرزوهای‌شان کاملاً با دیدگاه و ایدئولوژی امارت اسلامی همسو باشد.

ج. تجلیل از حمله‌کنندگان انتحاری

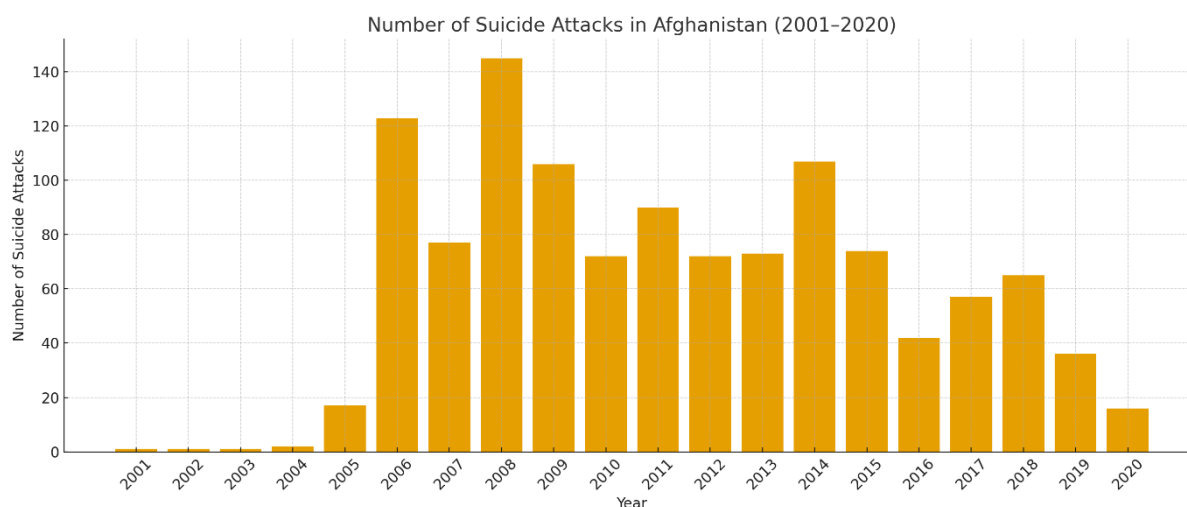
شاید نگران‌کننده‌ترین بخش نظام آموزشی طالبان، واردکردن حملات انتحاری در آموزش دینی و پیوند دادن آن با هویت ملی باشد. افغانستان اکنون شاید تنها کشوری باشد که در آن حمله‌کنندگان انتحاری به صورت سازمان‌یافته آموزش داده می‌شوند، مورد تجلیل قرار می‌گیرند و یاد آنان از سوی حکومت گرامی داشته می‌شود.

ریشهٔ این روند به دورهٔ شورشگری طالبان برمی‌گردد. از اواسط دههٔ ۲۰۰۰، واحدهایی مانند **لشکر بدری** حمله‌کنندگان انتحاری را به صورت گسترده به کار گرفتند که بسیاری از آنان افراد زیر سن بودند و از مدارس دینی پاکستان جذب شده بودند. تا سال ۲۰۰۶، شمار حملات انتحاری به بیش از ۱۲۰ حمله در سال افزایش یافت، در حالی که پیش از سال ۲۰۰۵ تنها چند مورد در سال ثبت شده بود. هرچند تأثیر نظامی این حملات محدود بود، پیامدهای روانی آن بسیار سنگین بود؛ اعتماد مردم به حکومت را تضعیف می‌کرد و ترس گسترده‌ای در میان غیرنظامیان به وجود می‌آورد.

از سال ۲۰۲۱ به این سو، طالبان حملات انتحاری را دیگر تنها به عنوان یک روش جنگی معرفی نمی‌کنند، بلکه آن را به عملی مقدس و بخشی از هویت مورد نظر خود تبدیل کرده‌اند. برای برخی از نخستین حمله‌کنندگان انتحاری یادبود ساخته شده، در رژه‌ها از «قطعات استشهادی» تجلیل می‌شود و رهبران طالبان آشکارا از خانواده‌های عاملان حملات انتحاری تقدیر می‌کنند. رسانه‌هایی مانند **الاماره** و **رادیو تلویزیون ملی افغانستان** نیز روایت‌هایی از حمله‌کنندگان انتحاری به عنوان قهرمان منتشر می‌کنند و با استفاده از شعر، روایت خواب‌دیدن پیامبر و داستان‌های فداکاری، تصویری اسطوره‌ای از آنان می‌سازند.

افراد مصاحبه‌شده در این مطالعه بارها تأکید کردند که مدارس دینی نقش مهمی در این نظام دارند. مدارس دینی متأثر از الگوی حقانی به مراکز جذب و پرورش نیرو تبدیل شده‌اند و پسران جوان و، به‌طور فزاینده، دختران را به این باور سوق می‌دهند که انجام مأموریت‌های انتحاری خدمتی افتخارآمیز به اسلام و امارت اسلامی است. شاگردان از شهادت به عنوان «بالاترین درجهٔ پاداش» یاد کردند، در حالی که مقام‌ها و آموزگاران این مدارس را هم مراکز جذب نیرو و هم مکان‌هایی برای آماده‌سازی فکری و روانی توصیف کردند. پاداش‌هایی که به آنان وعده داده می‌شود شامل رستگاری اخروی، بهشت و افتخار برای خانواده است.

در نتیجهٔ این روند، حملهٔ انتحاری از یک روش جنگی به یک ایدئولوژی تبدیل شده است. این پدیده دیگر تنها ابزار شورشگری نیست، بلکه تحت حاکمیت طالبان به بخشی از روند شکل‌دهی افکار و هویت نسل جوان تبدیل شده است.



شکل ۱: شمار حملات انتحاری در افغانستان، ۲۰۰۱-۲۰۲۰. دیتا افزایش شدید حملات پس از سال ۲۰۰۵، ادامه سطح بلند حملات تا سال ۲۰۱۴ و کاهش آن تا سال ۲۰۲۰ را نشان می‌دهند. ارقام عمدتاً از گزارش‌های سالانه و ربع‌وار هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) درباره حفاظت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه گرفته شده‌اند. ارقام سال ۲۰۰۹ براساس گزارش ارتش ایالات متحده (۲۰۱۰) است.

د. از بین بردن تنوع

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه پروژه گسترش مدارس دینی طالبان، از میان بردن تنوع مذهبی و آموزشی است. نهادهای آموزشی شیعه که از دیرباز بخشی از جامعه متنوع افغانستان بوده‌اند، با محدودیت و فشار روبه‌رو شده‌اند. در مقابل، مذهب حنفی به‌عنوان تنها چارچوب مورد قبول تحمیل می‌شود. این رویکرد بخش‌های قابل توجهی از جامعه افغانستان را از حضور و نمایندگی در نظام آموزشی محروم می‌سازد. هم‌زمان، نهادهای غیردینی نیز از کارکرد اصلی‌شان خارج می‌شوند. مکاتب دولتی، مراکز تربیه معلم، دفاتر رسانه‌ای و حتی بخش‌هایی از پوهنتون کابل به مدارس دینی تبدیل شده‌اند. این اقدامات بار نمادین نیز دارند. برای مثال، قصر دارالامان که زمانی نمادی از وحدت افغانستان بود، به یک مدرسه دینی تبدیل شد. همچنین، لیسه عالی عبدالحی حبیبی که یکی از مراکز مهم آموزش علوم عصری بود، به مدرسه دینی تبدیل شد و در نتیجه چنین تغییراتی، هزاران شاگرد و آموزگار از محیط‌های آموزشی خود محروم شدند.

این اقدامات نه تنها باعث اخلاف در آموزش می‌شوند، بلکه نشان‌دهنده گسترش کنترل ایدئولوژیک بر فضاهای عمومی و آموزشی نیز هستند. تغییر کاربری این نهادها پیام روشنی دارد: آموزش اکنون باید در خدمت ایدئولوژی امارت اسلامی باشد، نه آرزوهای فردی یا پیشرفت کشور.

ه. تبلیغات و مهندسی اجتماعی

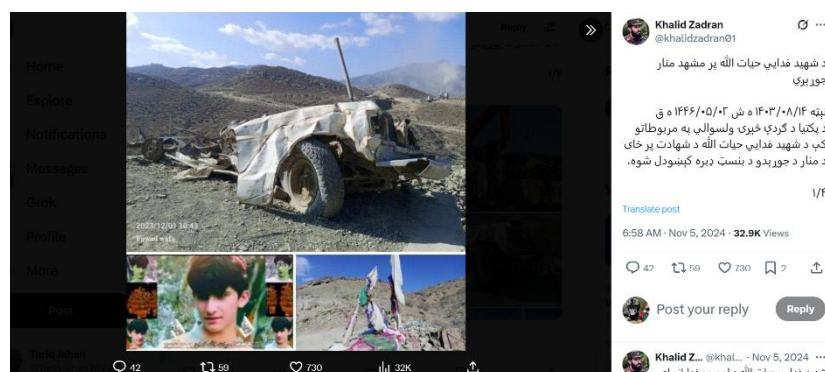
تلقین ایدئولوژیک طالبان به‌صورت جداگانه انجام نمی‌شود، بلکه با تبلیغات رسانه‌ای، ابزارهای فرهنگی و مراسم عمومی پیوند خورده است. در مراسم یادبود از حمله‌کنندگان انتحاری تجلیل می‌شود، در رژه‌ها سلاح‌های به‌جامانده از نیروهای غربی به‌عنوان «غنیمت» به نمایش گذاشته می‌شوند و سرودها و اشعار، شهادت را ستایش می‌کنند. ترانه‌ها، داستان‌گویی و کارزارهای دیجیتالی نیز این روایت‌ها را تقویت می‌کنند و طالبان را نه تنها به‌عنوان حاکمان کشور، بلکه به‌عنوان مدافعان اسلام که از سوی خداوند مأمور شده‌اند، به تصویر می‌کشند. کمک‌های مالی خارجی نیز به تقویت این روند کمک می‌کند. تأمین مالی یک مجموعه چند

میلیون دالری مدرسه دینی در مزارشریف از سوی ازبکستان و سرمایه‌گذاری نهادهای خیریه ترکیه در مدارس دینی جدید نشان می‌دهد که چگونه بازیگران خارجی، گاهی ناخواسته و زیر عنوان کمک‌های بشردوستانه، به تقویت پروژه ایدیولوژیک امارت اسلامی کمک می‌کنند.

برای بسیاری از افغان‌ها، این عوامل یک چرخه بسته ایجاد کرده‌اند: فقر و گرایش‌های دینی، مدارس دینی را جذاب می‌سازند؛ مدارس دینی اطاعت را تقویت کرده و فداکاری را مورد ستایش قرار می‌دهند؛ تبلیغات به خشونت رنگ تقدس می‌دهد؛ و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی به ادامه این نظام کمک می‌کنند. نتیجه این روند، همان‌گونه که اشتراک‌کنندگان این مطالعه بارها هشدار دادند، پرورش «نسل سوم طالبان» است: جوانانی که تمام دوره رشد و آموزش خود را در چنین محیطی سپری می‌کنند، با دیدگاه‌های متفاوت آشنایی محدودی دارند و به آنان آموخته می‌شود که وفاداری را با دینداری و شهادت را با افتخار یکسان بدانند.



نصیر ۱: تصویری برگرفته از یک ویدیوی سال ۲۰۰۹ که سراج‌الدین حقانی را در حال سخنرانی برای گروهی از حمله‌کنندگان انتحاری نشان می‌دهد؛ و در این سخنرانی بر توکل به خداوند، اتحاد و استقامت معنوی تأکید می‌کند.



نصیر ۲: مقام‌های طالبان از ساخت یادبود برای نخستین حمله‌کننده انتحاری این گروه خبر می‌دهند. این تصویر در اپریل ۲۰۲۴ توسط خالد خلیزان، سخنگوی پولیس کابل، در شبکه X منتشر شده است.

چه باید کرد؟

از زمان بازگشت طالبان به قدرت، آنچه شاهد آن بوده‌ایم عقب‌گرد آشکار و دوامدار در آزادی‌های مدنی، دسترسی به آموزش و فضای باز اجتماعی است. مقام‌های حاکم به‌طور پیوسته ارتباط مردم با جهان بیرون را محدودتر ساخته‌اند و بر رفت‌وآمد، کار، آموزش — به‌ویژه برای زنان و دختران — و آزادی بیان محدودیت وضع کرده‌اند. در عین حال، از نظارت، تهدید و بازداشت برای

خاموش ساختن منتقدان استفاده شده است. در نتیجه، یک نظام سازمان‌یافته محروم‌سازی شکل گرفته و موارد نقض حقوق بشر نیز افزایش یافته است.

در یکی از نمونه‌های اخیر، طالبان خدمات انترنت فایبر نوری (وای‌فای) را در شماری از ولایات، از جمله بلخ، قطع کردند. این اقدام به‌ویژه زیان‌بار است. انترنت به مردم امکان داده بود با دیگران در ارتباط بمانند، آموزش ببینند، اطلاعات را به اشتراک بگذارند و اقدامات طالبان را ثبت و مستند کنند؛ به این ترتیب، شهروندان عادی نیز به بخشی از فضای اطلاعاتی تبدیل شده بودند. محدود کردن انترنت نشان می‌دهد که چگونه طالبان می‌توانند از کنترل زیربناها برای محدود ساختن دسترسی مردم به آموزش، اخبار و ارتباطات استفاده کنند.

این وضعیت، اصلاحات گسترده را دشوار می‌سازد. با این حال، برای مقابله با گسترش مدارس دینی طالبان و تلقین ایدئولوژیک، یک رویکرد دوگانه می‌تواند مؤثر باشد: نخست، اقدامات محلی، کم‌خطر و به رهبری خود افغان‌ها برای حفاظت از آموزش و تقویت توانایی جوامع برای مقابله با این روند؛ و دوم، حمایت هدفمند نهادهای معتبر اسلامی بین‌المللی، مانند سازمان همکاری اسلامی و الازهر، و نهادهای خیریه دینی که می‌توانند از اصلاحات از درون فضای دینی حمایت کرده و به آن اعتبار ببخشند.

مقاومت به رهبری افغان‌ها

هدف این است که روند آموزش، بحث و گفت‌وگوی دینی و توانایی جوامع برای مقابله با فشارها زنده نگه داشته شود و در عین حال، خطر واکنش و برخورد طالبان تا حد ممکن کاهش یابد. بنابراین، مقاومت در برابر این روند باید در درجه نخست از درون جامعه افغانستان شکل بگیرد. با وجود سرکوب و محدودیت‌ها، افغان‌ها همچنان از خود مقاومت، ابتکار و اراده قوی نشان می‌دهند.

الف. حمایت از مراکز آموزشی کوچک و محلی

این مراکز، حلقه‌های آموزشی کوچک و کم‌سروصدایی هستند که اغلب در خانه‌های شخصی فعالیت می‌کنند. در این حلقه‌ها، سوادآموزی ابتدایی، ریاضی و آموزش‌های مدنی غیرسیاسی، همراه با آموزش‌های دینی متناسب با شرایط جامعه، توسط آموزگاران محلی مورد اعتماد و میانه‌رو ارائه می‌شود. برای حفظ دسترسی دختران به آموزش و کاهش خطر برخورد طالبان، این مراکز می‌توانند در ظاهر به‌عنوان «مدارس دینی خانگی به رهبری زنان» فعالیت کنند. در صورت مناسب بودن شرایط، پسران نیز می‌توانند در این برنامه‌ها شرکت کنند. مدیریت و حمایت از این مراکز می‌تواند از طریق کمیته‌های والدین، آموزگاران دوره جمهوری، بزرگان محل و گروه‌های زنان صورت گیرد.

این مراکز غیررسمی با هزینه اندک و بدون نیاز به ثبت رسمی می‌توانند فعالیت کنند و هم‌اکنون نیز در بسیاری از مناطق وجود دارند. با این حال، طالبان برخی از این مراکز را هدف قرار داده‌اند؛ بنابراین، فعالیت‌های آن‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شود که خطر شناسایی و برخورد طالبان تا حد ممکن کاهش یابد.

ب. حمایت و توانمندسازی آموزگاران میانه‌رو

شبکه‌های غیررسمی حمایت از آموزگاران که توسط نهادهای آموزشی افغان و بین‌المللی، گروه‌های آموزگاران افغان در خارج از کشور و اتحادیه‌های محلی اداره می‌شوند، می‌توانند آموزش‌های عملی در زمینه روش تدریس، بدیل‌های غیرتقابلی برای نصاب درسی و کمک‌های مالی محدود از طریق روش‌های مطمئن انتقال پول فراهم کنند. این رویکرد کم‌سروصدا به آموزگاران کمک می‌کند تا محتوای آموزشی غیرایدئولوژیک را به شاگردان ارائه کنند. از آن‌جا که طالبان برخی شبکه‌های آشکار را هدف قرار

داده‌اند، این فعالیت‌ها باید امنیت عملیاتی را در اولویت قرار دهند؛ از جمله خودداری از تبلیغات و معرفی گسترده فعالیت‌ها و ارزیابی منظم تهدیدهای موجود در سطح محل. این اقدامات می‌تواند به ادامه امن و پایدار فعالیت آموزگاران کمک کند.

ج. استفاده از روش‌های آموزشی ساده و ترکیبی

در دو سال نخست پس از بازگشت طالبان به قدرت، رادیو و برنامه‌های آموزشی محلی امید محدودی برای ادامه آموزش دختران و دیگر گروه‌های محروم فراهم کردند، اما بسیاری از این برنامه‌ها بعداً متوقف شدند. از این رو، روش‌هایی که برای استفاده به اینترنت وابسته نیستند — مانند برنامه‌های آموزشی رادیویی، کتابچه‌های چاپی، مواد درسی ذخیره‌شده در USB و بسته‌های آموزشی آفلاین — می‌توانند راه مطمئنی برای ادامه آموزش در زمان محدود شدن دسترسی به اینترنت باشند. در جاهایی که از نظر امنیتی و تکنیکی امکان‌پذیر باشد، شبکه‌های اجتماعی که از سوی افغان‌های خارج از کشور مدیریت می‌شوند، پلتفرم‌های مصون و رمزگذاری‌شده و شریک‌ساختن محتوای آموزشی توسط آموزگاران می‌توانند در کنار روش‌های آفلاین مورد استفاده قرار گیرند و دسترسی زنان و جوامع روستایی به آموزش را گسترش دهند. این فعالیت‌ها باید با هماهنگی نهادهای محلی، آموزگاران، علمای دینی و شبکه‌های افغان در خارج از کشور انجام شوند و به گونه‌ای طراحی گردند که توجه و حساسیت کمتری ایجاد کنند.

د. سواد دیجیتال امن و ارتباطات رمزگذاری‌شده

آموزش عملی آموزگاران مورد اعتماد و فعالان جامعه مدنی در زمینه امنیت دیجیتال، پیام‌رسانی امن و ذخیره آفلاین محتوای آموزشی — مانند استفاده از USB و برنامه‌های آفلاین — اهمیت اساسی دارد. این آموزش‌ها می‌توانند توسط متخصصان افغان تکنالوژی در خارج از کشور و نهادهای غیردولتی که به صورت کم‌سروصدا فعالیت می‌کنند، ارائه شوند. برنامه‌های آموزشی باید عملی، مرحله‌وار و قابل تطبیق باشند و بر شناخت تهدیدهای دیجیتال و راه‌های پیشگیری از آن‌ها تمرکز کنند، تا در صورت محدود شدن شبکه‌ها و دسترسی به اینترنت، ارتباطات ضروری و روند آموزش همچنان ادامه یابد.

نقش جهان اسلام

مراجع دینی و نهادهای اسلامی می‌توانند در تغییر نگرش‌های اجتماعی نقش مهمی داشته باشند و با ارائه رهنمودهای معتبر، میان آموزه‌های پذیرفته‌شده اسلامی و برداشت‌های افراطی تفاوت روشن ایجاد کنند.

الف. تعامل با نهادهای معتبر اسلامی، مانند سازمان همکاری اسلامی و الازهر

اگرچه بسیاری از نهادها و علمای برجسته اسلامی تاکنون با احتیاط برخورد کرده یا سکوت اختیار کرده‌اند، جامعه مدنی افغانستان، افغان‌های خارج از کشور، دانشگاهیان و نهادهای معتبر همکار باید از سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی و الازهر بخواهند رهنمودهای روشن و صریحی ارائه کنند که میان نصاب‌های خشونت‌آمیز، تحریف‌شده و افراطی مدارس دینی و آموزه‌های پذیرفته‌شده اسلامی تفاوت قایل شود. اعتبار و جایگاه دینی این نهادها می‌تواند به تلاش‌ها برای اصلاح آموزش دینی در داخل افغانستان مشروعیت مهم دینی و اخلاقی ببخشد. حداقل اقدامی که این نهادها می‌توانند انجام دهند، صدور بیانیه‌های مشترک و علنی در محکومیت برداشت‌های خشونت‌طلبانه و افراطی از دین است. این کار می‌تواند با دقت و حسن نیت انجام شود تا از واکنش‌های منفی سیاسی تا حد ممکن جلوگیری گردد.

ب. تأمین مالی بدیل‌های امن آموزشی از طریق نهادهای خیریه دینی

نهادهای فعال در بخش آموزش باید کمک‌های مالی محدود و کم‌سروصدا را از طریق نهادهای محلی مورد اعتماد و مؤسسات خیریه دینی برای برنامه‌های آموزشی رادیویی، کمک مالی به آموزگاران، مواد آموزشی چاپی و ایجاد فضاهای امن آموزشی فراهم

کنند، نه برای پروژه‌های بزرگ و پرسروصدا که توجه زیادی را جلب می‌کنند. برای تأمین شفافیت و پاسخگویی، می‌توان از بررسی‌های مالی محلی، روش‌های دریافت بازخورد از جامعه و نظارت شبکه‌های افغان در خارج از کشور استفاده کرد. این اقدامات می‌تواند خطر سوءاستفاده از منابع را کاهش دهد و از ایجاد حساسیت و واکنش منفی جلوگیری کند.

نکته کلیدی

هیچ راه‌حل ساده و فوری برای تغییر روند جاری تلقین ایدیولوژیک وجود ندارد. با این حال، این اقدامات و گام‌های مشابه، هرچند بدون تهدید و خطر نیستند، می‌توانند به کاهش این روند کمک کنند. این رویکرد از پروژه‌های آشکار و تقابلی که احتمال توقف آن‌ها زیاد است، پرهیز می‌کند و در عوض بر اقداماتی تمرکز دارد که کم‌سروصدا، متناسب با فرهنگ و جامعه افغانستان و از نظر دینی معتبر باشند. چنین رویکردی در یک محیط سرکوبگر شانس بیشتری برای دوام دارد و در عین حال می‌تواند به حفظ آموزش و تنوع مذهبی کمک کند. بی‌توجهی به پروژه آموزشی طالبان خطرهای جدی در پی دارد: کنترل اقتدارگرایانه را از طریق پرورش نسلی که وفاداری آن با تلقین ایدیولوژیک شکل داده می‌شود، ریشه‌دار می‌سازد؛ با خاموش ساختن تنوع مذهبی و قومی افغانستان، به حاشیه‌راندن گروه‌های مختلف جامعه را نهادینه می‌کند؛ و با نهادینه ساختن پرورش و تجلیل از حمله‌کنندگان انتحاری، تهدیدهای امنیتی را در سطح افغانستان و فراتر از مرزهای آن افزایش می‌دهد.

بار دیگر تأکید می‌کنم که گسترش مدارس دینی از سوی طالبان یک پالیسی آموزشی نیست، بلکه بخشی از ستراتیژی دولت‌سازی اقتدارگرایانه و بازتولید نیرو و تفکر جنگ‌جویانه است. تمویل‌کنندگان و پالیسی‌سازان باید درک کنند که حمایت از مدارس دینی تحت حاکمیت کنونی، به جای تقویت آموزش، می‌تواند به تقویت تلقین ایدیولوژیک کمک کند. به باور من، برای جلوگیری از ظهور نسل جدیدی که تمام جهان‌بینی آن با ایدیولوژی افراطی شکل گرفته باشد، به یک پاسخ هماهنگ نیاز است؛ پاسخی که از طریق روش‌های علنی و کم‌سروصدا، روی بدیل‌های آموزشی سرمایه‌گذاری کند.

نتیجه‌گیری

استدلال من این است که تغییراتی که طالبان پس از سال ۲۰۲۱ در نظام مدارس دینی افغانستان به وجود آورده‌اند، احیای آموزش دینی نیست، بلکه بخشی از یک پروژه هدفمند برای دولت‌سازی اقتدارگرایانه است. مدارس دینی که در گذشته متنوع و نظارت بر آن‌ها محدود بود، اکنون به ابزارهایی برای ایجاد همسویی و اطاعت تبدیل می‌شوند. نصاب درسی، مراسم و پیام‌های تبلیغاتی بر اطاعت و شهادت تأکید می‌کنند، در حالی که آموزش انتقادی به حاشیه رانده می‌شود.

این پالیسی بریف با استفاده از دیدگاه‌ها و تجربیات افغان‌ها، اسناد رسمی و منابع رسانه‌ای نشان می‌دهد که این تغییرات چگونه اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند؛ تلقین ایدیولوژیک را نهادینه می‌سازند، تنوع و تکرار را از میان می‌برند و زمینه را برای افراط‌گرایی در درازمدت فراهم می‌کنند. تغییرات در نصاب درسی، مراسم ایدیولوژیک و تبلیغات دیجیتال فرهنگی را تقویت می‌کنند که در آن اطاعت و شهادت به‌عنوان بالاترین شکل وفاداری و خدمت به جامعه معرفی می‌شوند.

یافته اصلی این پالیسی بریف، ظهور «نسل سوم طالبان» است: جوانانی که در مدارس دینی‌ای پرورش می‌یابند که ارزش‌ها و تفکر جنگ‌جویانه را بر آموزش و تفکر انتقادی اولویت می‌دهند. پیامدهای این روند به افغانستان محدود نمی‌شود. ادامه تلقین ایدیولوژیک می‌تواند برای چندین دهه زمینه‌ساز افراط‌گرایی در جامعه شود، کنترل اقتدارگرایانه را ریشه‌دار سازد و بی‌ثباتی را به کشورهای منطقه گسترش دهد. هیچ راه‌حل ساده و فوری برای این مشکل وجود ندارد، اما یک ستراتیژی عملی دوگانه می‌تواند به مهار آن کمک کند: حمایت از آموزش‌های کم‌سروصدا و به رهبری خود افغان‌ها، همراه با اعتبار دینی و حمایت

نهادهای معتبر اسلامی. این پالیسی بریف به بحث‌های پالیسی دربارهٔ چگونگی مقابله با آموزش‌های افراط‌گرایانه و حفاظت از آموزش فراگیر و متنوع تحت حاکمیت طالبان کمک می‌کند.

منابع

علاوه بر روایت‌ها و اطلاعات دست‌اول، در تهیه و تدوین این پالیسی بریف از منابع زیر نیز استفاده شده است. این منابع می‌توانند برای مطالعهٔ بیشتر نیز مورد استفاده قرار گیرند.

Abdulbaqi, M, (2008), *Madrassah in Afghanistan: Evolution and its Future*, Pluto Journals, <https://www.jstor.org/stable/42909538>

Afghanistan Human Rights Center. (2024). *Access to education for women under the Taliban*. <https://www.bolaq.org/wp-content/uploads/2025/01/Access-to-Education-for-Women-Dec-2024-Afghanistan-Human-Rights.pdf>.

افغانستان انترنشنل. (2022). وزارت معارف طالبان: یک بنیاد خیریه ترکیه پنج مدرسه دینی در افغانستان می‌سازد. افغانستان انترنشنل، دری. <https://www.afintl.com/202210290965>

افغانستان انترنشنل. (2024). مولانا فضل‌الرحمان می‌گوید ۳۰ هزار نوجوان مسلح پاکستانی در افغانستان به نفع طالبان جنگیدند. افغانستان انترنشنل، دری. <https://www.afintl.com/202405066281>

Al Jazeera. (2018). *Taliban claims Kabul Intercontinental Hotel siege*. <https://www.aljazeera.com/news/2018/1/21/taliban-claims-kabul-intercontinental-hotel-si>

الاماره. (2019). د استشهد د کاروان سالار. پښتو. <https://www.alemarah.af/provinces/%d8%af-%d8%a7%d8%b3%d8%aa%d8%b4%d9%87%d8%a7%d8%af-%d8%af-%da%a9%d8%a7%d8%b1%d9%88%d8%a7%d9%86-%d8%b3%d8%a7%d9%84%d8%a7%d8%b1/>

الاماره. (۲۰۲۱). غزني: په گيلان کي دفدايانو يادونوپه نوم مشاعره ترسره شوه. <https://www.alemarah.af/news/%d8%ba%d8%b2%d9%86%d9%8a-%d9%be%d9%87-%da%ab%db%8c%d9%84%d8%a7%d9%86-%da%a9%d9%8a-%d8%af%d9%81%d8%af%d8%a7%db%8c%d8%a7%d9%86%d9%88-%db%8c%d8%a7%d8%af%d9%88%d9%86%d9%88%d9%be%d9%87-%d9%86%d9%88%d9%85/>

Andishmand, M. E. (2010). *[Modern Education in Afghanistan]* (1st ed.). Kabul: Maiwand Publications, p. 7

رادیو آزادی. (۲۰۱۹). ارگ ادعاهای جنرال حبیب احمدزی مبنی بر فساد اخلاقی را بی‌بنیاد خواند. رادیو آزادی، دری. <https://da.azadiradio.com/a/29963818.html>

رادیو آزادی. (۲۰۲۲ الف). پلان ایجاد مدرسه‌های بزرگ در ولایات؛ برخی آگاهان: هدف طالبان سربازگیری است. رادیو آزادی، دری. <https://da.azadiradio.com/a/31894488.html>

Azadi Radio. (2022b). 'War on education': Taliban converting secular schools into religious seminaries. Radio Free Europe/Radio Liberty. <https://www.rferl.org/a/taliban-secular-schools-converted-madrasahs-education/31914672.html>

بی بی سی نیوز. (۲۰۲۲). رقابت مقام‌های طالبان در ساخت مدارس دینی در شهرهای مختلف افغانستان. بی بی سی نیوز. دری.
<https://www.bbc.com/persian/articles/cz71118jjzeo>

Borchgrevink, K. (2012). *Transnational links of Afghan madrasas: Implications for the reform of religious education*. *Prospects*, 43(1), 69–84. <https://doi.org/10.1007/s11125-012-9258-2>

Ghubar, M. G. (1346/1967). [*Afghanistan in the Course of History*] (1st ed.). Kabul: Matba' a-ye Dowlati, Vol. 8, p. 2. 10

Habibi, A. (1389/2010). [*A Brief History of Afghanistan*] (5th ed.). Peshawar: Anjuman-e Nashrāti-ye Danish, p. 150.

Human Rights Watch. (2011). *Afghanistan: Taliban should stop using children as suicide bombers*. <https://www.hrw.org/news/2011/08/31/afghanistan-taliban-should-stop-using-children-suicide-bombers>

Human Rights Watch. (2018). *Kabul hotel attack a war crime*.
<https://www.hrw.org/news/2018/01/22/kabul-hotel-attack-war-crime>

Husain, S. (2018). *Madrasas: The evolution (or devolution?) of the Islamic schools in South Asia (1857–Present)* (Honors thesis, Oberlin College). Digital Commons at Oberlin.
<https://digitalcommons.oberlin.edu/honors/158>

Mahboob, M. (2023). [*Suicide attacks in Afghanistan: Families of suicide bombers left alone with sorrow and regret*]. Afghanistan International. (Dari edition)
<https://content.iranintl.com/afghanistan-attacks/index.html>

Malla, M. W. (2021). *Madrasas and extremism: South Asian perspectives*. In M. Woodward & R. Lukens-Bull (Eds.), *Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives*. Springer.
https://link.springer.com/referenceworkentry/10.1007/978-3-319-73653-2_50-1

معتصم. الف. (۲۰۱۸). بررسی وضعیت مدارس دینی کنونی کشور اعم از دولتی و خصوصی. پوهنتون پروان. دری.
<https://www.scribd.com/document/768011676/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%D8%A8%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%85%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%B3-%D8%AF%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>

Nawabi, K. (2024). *Suicide bombing in Afghanistan: A multilevel analysis*. *Journal of Strategic Security*, 17(3), 94–111. <https://www.jstor.org/stable/48793911>

Orfan, S. N., Ibrahimi, F., & Noori, A. Q. (2022). *Sexual harassment of higher education female students in Afghanistan: A case study*. *Issues in Educational Research*, 32(2), 602–620. <https://www.iier.org.au/iier32/orfan.pdf>

پوپل. ک. (۲۰۱۷). افغانستان در معارف سیر. افغان جرمن انلاین. دری.
https://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/Popal_k_sair_morif_der_afg.pdf

Radio Free Europe/Radio Liberty. (2021). *Taliban's use of suicide bombers now seen as key to their victory – and a potent threat*. <https://www.rferl.org/a/taliban-suicide-bombings-afghanistan/31546216.html>

Radio Television Afghanistan. (2024). [Ministry of Education: Over 10 million students are pursuing education in public and private schools]. Dari Edition. <https://rta.af/fa/article5135/>

Reuters. (2011). *Afghan leader meets would-be child suicide bombers*. <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-children/afghan-leader-meets-would-be-child-suicide-bombers-idUSTRE77O0D820110825>

Riaz, M. A. (2021). *A case study of radicalization of Islam in Pakistan during Afghan Jihad 1979–89*. *Pakistan Journal of International Affairs*, 4(4), 88–100. <https://pjia.com.pk/index.php/pjia/article/view/300>

Sayed, A. (2021). *Inside Afghan Taliban Interior Minister Sirajuddin Haqqani's reception honoring suicide bombers*. Jamestown Foundation. <https://jamestown.org/program/inside-afghan-taliban-interior-minister-sirajuddin-haqqanis-reception-honoring-suicide-bombers/>

Shahab, S. (2021). *History and background of madrassah education in Pakistan*. *Pakistan Journal of International Affairs*, 4(4), 426–433. <https://pjia.com.pk/index.php/pjia/article/view/333>

Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction. (2025). Ps. 39-40, *Quarterly report to the United States Congress*. <https://www.sigar.mil/Portals/147/Files/Reports/Quarterly-Reports/2025-01-30qr.pdf>

Tajik, S. H. (2010). *Insight into a suicide bomber training camp in Waziristan*. CTC Sentinel, 3(3), 10–13. <https://ctc.westpoint.edu/insight-into-a-suicide-bomber-training-camp-in-waziristan/>

طلوع نیوز. (۲۰۲۴). آغاز ساخت بزرگ‌ترین مدرسه دینی به هم‌کاری مالی ازبیکستان در افغانستان. طلوع نیوز. دری. <https://www.tolonews.com/fa/afghanistan-190348>

U.S. Army. *Suicide Attacks in Afghanistan*, (2010) Fort Leavenworth, KS: U.S. Army Command and General Staff College. <https://info.publicintelligence.net/USArmy-AfghanSuicideAttacks.pdf>

U.S. Department of Defense, (2020). DOD Anticipates Significant Troop Reduction in Afghanistan, <https://www.defense.gov/News/News-Stories/Article/Article/2357183/dod-anticipates-significant-troop-reduction-in-afghanistan/>

U.S. Department of State. (2020). *Afghanistan 2019 International Religious Freedom Report*. Office of International Religious Freedom. <https://www.state.gov/reports/2019-report-on-international-religious-freedom/afghanistan/>

UNAMA, (2007), *Suicide Attacks in Afghanistan (2001-2007)*, <https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/Afgh%202007SuicideAttacks.pdf>

UNAMA, 2025, *Reports on the Protection of Civilians in Armed Conflict*, annual and quarterly reports, <https://unama.unmissions.org/reports-protection-civilians-armed-conflict>

UNAMA. (2025). *Update on the human rights situation in Afghanistan: January–March 2025*. United Nations Assistance Mission in Afghanistan.

https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_update_on_human_rights_in_afghani_stan_january-march_2025.pdf:

Warren, N. M. (2009). *Madrasa education in Pakistan: Assisting the Taliban's resurgence*, Digital Commons. https://digitalcommons.salve.edu/pell_theses/44

Zadran, K. [@khalidzadran01]. (2024a). [*A monument is being built at the site of martyr Fidayee Hayatullah's grave*] [Tweet]. X. <https://x.com/khalidzadran01/status/1853693390854172687>

Zadran, K. [@khalidzadran01]. (2024b). [About 15 years ago! At a time when many believed everything was over...] [Tweet]. X. <https://x.com/khalidzadran01/status/1823279215178928423>; [The invaders' eyes were still bloodshot and the blood of innocent people flowed from their weapons...] [Tweet]. X. <https://x.com/khalidzadran01/status/1823279362244014500>; [It was 2009, and Khalifa Sahib, along with his companions, visited a martyrdom-seekers' center...] [Tweet]. X. <https://x.com/khalidzadran01/status/1823279495778124230>

Zarrinkoub, A. (1387/2008-9). [*The Achievement of Islam*] (1st ed.). Tehran: Amir Kabir Publishing.

درباره نویسنده

طارق جهان بنیان‌گذار و رئیس مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان (ACSTD) است. او در حال حاضر محصل مقطع دوکتورا در پوهنتون سنت اندروز است و پژوهش او بر ارتباطات ستراتیژیک در جنگ افغانستان تمرکز دارد. فعالیت‌های پژوهشی او حوزه‌های تروریسم، شورشگری و افراط‌گرایی را در بر می‌گیرد. طارق پیش از این با حکومت پیشین افغانستان و همچنین در بخش انکشاف بین‌المللی در سکتور خصوصی کار کرده است.